فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، بهار ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۲۱۸-۱۹۱

اقتصادسیاسیِ افول دامداری در ایران

محمد حجی‌پور*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران
فرهاد جوان؛ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵

چکیده

بنیاد توسعه اقتصادی هر سرزمینی بر پایه رشد و ترقی فعالیت‌های مولد آن است. دامداری از جمله فعالیت-هایی است که در بعد مکانی و فضایی دارای آثار مهم و بی‌بدیلی است. ارتباط تنگاتنگ دامداری با معیشت جمعیت، امنیت غذایی و سلامت جامعه بر اهمیت آن می‌افزاید. علی‌رغم نقش اقتصادی برجسته دامداری شواهد حاکی از این است که در کشور طی سال‌های اخیر رکود رو به‌تزایدی در این بخش تولیدی حاکم شده است. از این رو تلاش گردیده تا به تبیین علل تکانه‌های رکود دامداری در ایران به تأسی از اقتصاد سیاسی حاکم بر فضا پرداخته شود. بنا به بررسی‌های صورت گرفته هفت عامل شامل "رویکرد نئولیبرالیستی حاکم بر فضا"، "رویکرد سیاست‌های کلان توسعه"، "واردات دام"، "سهم دامداری در نظام توزیع ثروت"، "قاچاق دام"، "رانتیریسم و برتری فعالیت‌های نامولد در رقابت با تولید" و "تغییرات نرخ تورم" تبیین کننده‌ی نظام تحولات است. در نهایت، از آنجا که دامدارای همچون سایر بخش‌های مولد اقتصادی دارای تولید ثروت آنی و فراوان نیست (علی‌رغم اینکه دارای بُرد اشتغال‌زایی است)؛ از سوی دیگر، سرمایه‌داری حاکم در کشور به دنبال حداکثر سودیابی با حداقل ریسک بوده که توجیه‌کننده‌ی انتفاع سرمایه‌گذاری‌های کلان و هلدینگ‌های داخلی و خارجی است؛ بدین‌سان فعالیت‌های دامداری در مسیر افول و رکود قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی، نئولیبرالیسم، سیاستگذاری اقتصاد روستایی، فعالیت دامداری.

* mhajipour@birjand.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

۱) مقدمه

در دنیای کنونی، توسعه‌خواهی و دستیابی به آن منوط به توفیقات بی‌شماری است. با تأملی در اندیشه‌ها و تجارب مکتوب ممتازین در عرصه توسعه و پیشرفت،[۱] می‌توان نیک دریافت که در بعد اقتصادی، نقطه‌ی آغازین و مرکز ثقل رخدادهای پیشران توسعه، امر خطیر *"تولید"* است؛ به گونه‌ای که می‌توان اذعان داشت «هرگاه توسعه‌ای رخ می‌دهد، محور و مبنای آن تولید است (خواجه‌نژاد،۱۳۹۳: ۲)».

تجربه بسیاری از کشورها نظیر استرالیا و کانادا مؤید این واقعیت است که بخش مولد کشاورزی با زیرگروه‌های آن می‌تواند نقطه شروع توسعه اقتصادی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، کشورهای توسعه یافته با در دست گرفتن سهم عمده‌ای از تولید و تجارت محصولات کشاورزی در سطح جهان توانسته‌اند علاوه بر دستیابی به ارز قابل توجه در هر سال، از نظر اقتصادی و سیاسی نیز بر سایر جوامع تسلط یابند. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دیگر که بخش عمده‌ای از جمعیت فعال آنها در بخش کشاورزی است، سالیانه مبالغ هنگفتی بابت واردات این محصولات اختصاص می‌یابد. با توجه به اینکه نرخ رشد جمعیت در اکثر کشورها نیز روبه تزاید بوده و تأمین غذای جمعیت یک مسئله جدی قلمداد می‌شود، تولید محصولات کشاورزی یک بحث بنیادین در لوای توسعه است (منصوری و خلفی، ۱۳۹۱).

بدین‌سان، تولید محصولات غذایی باید در آینده، توسعه قابل ملاحظه‌ای یابد و برای دستیابی به یک پیشرفت قابل توجه، ضروری است که تولید محصولات غذایی از هم اکنون بیش از ۴ درصد رشد سالانه داشته باشد. منبع اصلی این رشد سالانه، افزایش بازدهی در مقیاس سطح و زمان است که لازمه این افزایش، بهره گیری از عمل و تکنولوژی‌های نوین و انجام تحقیقات با توجه به محدودیت منابع در هر کشور است (سرخوش،۱۳۷۵: ۴۳).

دام برای اولین بار حدود ۱۰ هزار سال پیش اهلی شد و تولید آن همواره نقش مهمی در توسعه تمدن بشری داشته است (FAO, 2007) که جزو بنیان‌های معیشت روستاییان نیز به شمار می‌رود و در کنار سایر فعالیت‌های اقتصادی نظیر زراعت، باغداری، طیورداری و صنایع دستی، نقش مهمی در حیات اقتصادی روستاییان دارد. تولید دام یک فعالیت حیاتی برای حفظ امنیت غذایی و استمرار حاکمیت بشر در سرتاسر جهان است. بنا به برآوردهای فائو (۲۰۱۸)، دامداری ۴۰ درصد ارزش تولیدات کشاورزی جهان را در برمی‌گیرد و تأمین کننده‌ی معیشت و امنیت غذایی حدود ۱/۳ میلیارد نفر از جمعیت کره‌ی زمین است (Puente-Rodriguez et al.,2019: 167; Hurst et al.,2005) و ۱۷ درصد از مصرف جهانی کالری و ۳۳ درصد از پروتئین جهانی را تأمین می‌کند (Rosegrant et al., 2009). از این رو، در بسیاری از کشورها بخش دامداری و دامپروری در حال رشد سریع است به گونه‌ای که انتظار می‌رود تقاضای جهانی برای محصولات دامی تا سال ۲۰۵۰ حدود دو برابر شود (Rojas-Downing et al., 2017: 145)؛ همچنین پیش‌بینی می‌شود که تولید فرآورده‌های دامی نظیر شیر از ۶۶۴ میلیون تن (درسال ۲۰۰۶) به ۱۰۷۷ میلیون تن تا سال ۲۰۵۰ و گوشت از ۲۵۸ میلیون تن به ۴۵۵ میلیون تن افزایش یابد (Alexandratos and Bruinsma, 2012)؛ در بیان علل این رشد می‌توان گفت رشد جمعیت، شهرنشینی،

[۱] رجوع کنید به: Reinert, 2007

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

تغییر الگوی مصرف، تحولات مربوط به دانش و فن‌آوری و از همه مهمتر افزایش درآمد در کشورهای در حال توسعه و بهبود سطح زندگی جهانی، نیاز به تولیدات این بخش را روز به روز افزایش می‌دهد (Thornton, 2010).

باتوجه به جایگاه دام و دامداری در دنیا، از موضوع مهمی همچون "انقلاب دامپروری"[1]سخن گفته می‌شود (Wright et al., 2012; Delgado et al,2001)؛ از سوی دیگر به اعتقاد برخی از نظریه‌پردازان توسعه موفقیت اقتصادی مناطق، عمدتاً مبتنی بر کشاورزی، دامداری و صنایع فرآوری مواد غذایی است (Tamasy,2013: 386). بر این اساس در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه کشورهای توسعه یافته، برای پایداری و استمرار دامداری برنامه‌های حمایتی متنوع و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری انجام می‌شود تا بدین-وسیله ریسک اقتصادی دامداری کاهش یابد و توسعه فعالیت‌های مولد دامداری محقق شود (Nyhus et al., 2005; Dickman et al.,2011; Zabel et al., 2011, 2014; García-Ruiz et al., 2016).

در ایران دامداری حدود ۱۱ درصد تولید ناخالص کشور، ۴۳/۸ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی و ۱۸ درصد از صادرات بخش کشاورزی مربوط به این بخش (دامداری و دامپروری) است. همچنین حدود ۲ میلیون و ۸۸۰ هزار نفر بهره‌بردار به طور مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های زیربخش امور دام مشغول به کار هستند؛ به عبارتی، حدود ۷۰ درصد از جمعیت شاغل در روستاهای کشور، ۹۰ درصد از جمعیت عشایری و ۱۰ درصد از جمعیت شهرنشین کشور در پرورش دام فعالیت دارند (آزادی‌عبدولی و همکاران،۱۳۹۴: ۸۵۹-۸۵۸).

جامعه دامپروری ایران در قالب میلیون‌ها واحد دامداری در اقصی نقاط کشور پراکنده است و غالباً به صورت سنتی و در چارچوب اقتصاد معیشتی خانوارهای روستایی، فعالیت می‌کند. این امر نشان می‌دهد که دامپروری علی‌رغم داشتن سهم بسزا در اقتصاد کشاورزی و به طبع آن در اقتصاد غیرنفتی، به علت فعالیت سنتی خود نتوانسته آنچنان که شایسته است، نقش خود را ایفا کند (اسدی‌کرم، ۱۳۹۳: ۵). در حقیقت، اقتصاد بسیاری از روستاهای ایران برپایه‌ی کشاورزی بنا نهاده شده و با واکاوی آن می‌توان دریافت که موانع بسیاری برسر راه توسعه اقتصادی این سکونتگاه‌ها وجود دارد (ازکیا،۱۳۸۷: ۲۵). دامداری به عنوان یکی از بخش‌های مهم و اثرگذار در اقتصاد روستایی و عشایری که با معیشت خانوارهای بسیاری پیوند ناگسستنی دارد، با چالش‌های اساسی دست‌به‌گریبان است. از برجسته‌ترین مسائل حوزه دامداری در ایران که شواهد آن را به محض مواجه شدن با دامداران می‌توان دریافت، رو به رکود بودن این بخش تولیدی و سرمایه‌ای کشور است. با توجه به نقش و اهمیت موضوع دامداری به عنوان یک فعالیت مولد، در این مقاله تلاش شده است تا به تبیین علل نابسامانی و تکانه‌های رکود دامداری (سنتی و صنعتی) در فضای اقتصاد سیاسی حاکم پرداخته شود.

[1] livestock revolution

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

۲) مبانی نظری

فعالیت‌های اقتصادی مشتمل بر دو دسته فعالیت‌های مولد و غیرمولد اقتصادی است. برخی فعالیت‌های اقتصادی برمبنای کار مولد و از طریق تولید انواع کالاها یا خدمات سودمند، علاوه بر اینکه اندازه واقعی اقتصاد را افزایش می‌دهد، صاحب آن فعالیت را نیز به سود می‌رساند. اما به‌طورکلی هر فعالیتی که به قصد کسب درآمد، سود یا هرنوع انتفاع که با ایجاد ارزش افزوده، تولیدملی را بزرگ‌تر کند، "مولد" است و هر فعالیتی که در سطح خرد برای اشخاصی سود یا منافعی ایجادکند، اما در سطح کلان، ارزش افزوده ایجاد نکند و تولید ملی را افزایش ندهد، "نامولد" است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸). در بسیاری از فضاهای اقتصادی مسئله اصلی در فعالیت‌های مولد تولیدی، کم بودن صرفه این فعالیت‌هانسبت به فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی است. به عبارتی، فعالیت‌های مولد کم بازده و پرتعهد است و فعالیت‌های نامولد در عوض پربازده، بی‌خاصیت و کم تعهد است (شاکری،۱۳۹۴).

دامداری یک فعالیت مولد است که از منظر اقتصاد مکانی، اهمیت زیادی در توسعه اقتصادی جوامع غیرشهری و روستایی دارد به گونه‌ای که برای بسیاری از این سکونتگاه‌های در درجه‌ی اول تولید اشتغال و درآمد برای خانوارها به شمار می‌رود (Tazhibaev et al.,2014: 611). در حقیقت، دامداری در اقتصاد محلی و روستایی منجر به تنوع فرصت‌های اقتصادی می‌شود (Doumbia et al.,2012: 102).

پرورش دام به دو صورت سنتی و صنعتی وجود دارد؛ بخش سنتی بیشتر متکی به تجربیات قدیمی و بدور از دستاوردهای علمی و نوین پرورش است. دامداری سنتی به دو بخش روستایی و عشایری تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، دامداری به شیوه‌ای روستایی، عشایری و صنعتی جدید، قالب اصلی نظام دامداری کشور را تشکیل می‌دهد (رزاقی‌بورخانی و حسینی،۱۳۹۵: ۸۴). در پرورش سنتی راندمان تولید به دلیل دور بودن از مسائل فنی و بی‌توجهی به امر بهداشت و درمان، تولید مثل و اصلاح دام و تغذیه در حدپایینی قرار دارد. پرورش دام و طیور به صورت صنعتی در دهه‌های اخیر به علت سودآوری بالا مورد توجه قرار گرفته است (هاشمی،۱۳۷۳: ۲۸).

روش‌های متداول در دامداری سنتی بستگی به عوامل متعددی دارد. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به وضعیت حوزه از نظر توپوگرافی، وضعیت مراتع و پوشش گیاهی، مهارت، دانش و آگاهی بهره‌برداران و وجود امکانات مورد نیاز جهت فعالیت‌های دامپروری اشاره نمود. دامداری سنتی در ایران با اشکال گوناگونی همچون دامداری دهقانی، چکانه‌ای، چوپانی، خودگردانی، پرواربندی و چوبداری شناخته می‌شود و نوع دام عمدتا گوسفند و بز است.

در بیان کارکردهای اقتصادی فعالیت مولد دامداری می‌توان گفت یک بخش راهبردی برای کاهش فقر و تقویت رشد در کشورهای در حال توسعه است (Dutilly et al., 2019: 1)؛ بطور مثال در شرق و مرکز آفریقا و جنوب آسیا، دامداری -به ویژه پرورش دام‌هایی که در داخل کشور تقاضای بالایی برای آن وجود دارد- استراتژی موفق در تعدیل فقر و خصوصاً بهبود وضعیت تغذیه و معیشت زنان و خانوارهای فقیر بوده است (Omamo et al., 2006;Ali, 2007;Herrero et al., 2013; Kristjanson et al., 2014).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

همچنین به دلیل نقش مثمر دامداری، از اقدامات بنیادین "دپارتمان توسعه بین‌المللی انگلستان"[۱]تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در بخش دامداری برای کاهش فقر روستایی ملل مورد حمایت آن بوده است (LID, ۱۹۹۹).

طی دو دهه گذشته، دامداران به عنوان یک ستون برای اطمینان از زنده ماندن بسیاری از مزارع خانوادگی کوچک در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود یک جریان مداوم از محصولات مانند شیر، گوشت و کود دامی برای امنیت مواد غذایی و امنیت درآمد شناخته شده اند (Ellis& Freeman, 2004; Moll, 2005). در حقیقت، دامداری در فضا دارای کارکردهایی همچون تأمین نیاز پروتئینی جامعه از یک منشأ طبیعی (Burton,2019:42)، افزایش بهره‌وری منابع خاک از طریق ارائه کود به بخش زراعت و باغداری، حمایت از تولید محصولات زراعی در سیستم‌های مختلط، توانمندسازی جامعه محلی برای استفاده متعادل‌تر از منابع (Alvarez et al., 2014)، گزینه معیشتی برای روستاییان بی‌زمین یا دارای اراضی بسیار کوچک (Upton, 2004)، بهبود عدالت اجتماعی (HLPE, 2016)، کمک به تولید بیوگاز و تأمین انرژی (Roubík and Mazancová,2020; IEOS, 2006; Hasan et al., 2012)، تأمین مواد اولیه برای پزشکی، حمل و نقل، ورزش و تفریح (Bellaver & Bellaver, 1999) و افزایش مقاومت انسان در برابر شوک‌های اقلیمی (Salmon et al. 2019) است. همچنین در بعد سلامت انسان نیز مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ارتباط قوی بین مصرف غذاهای دارای منبع حیوانی و کاهش لکنت در کودکان وجود دارد (Headey et al., 2018).

دام و محصولات دامی تأمین کننده‌ی درآمد نقدی مستقیم‌اند. به اعتقاد صاحب‌نظران اقتصاد کشاورزی، دام‌ها بانک‌های زنده‌ی کشاورزی هستند. دام‌ها مورد توجه متخصصان توسعه در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه قرار دارد (میرزایی و نوری‌پور، ۱۳۹۳: ۷۰۶)؛ چراکه فروش تولیدات دامی سرمایه لازم را برای خرید نهاده‌های کشاورزی و به طور کلی هر گونه سرمایه‌گذاری در مزرعه فراهم می‌آورد. در اغلب اوقات دام به عنوان منبع اصلی تأمین سرمایه خانوارهای کشاورزی به حساب می‌آید (Steinfegd and Maek, 1995). از طرفی دام‌ها باعث بهبود خاک و پوشش گیاهی و تنوع زیستی دامی و گیاهی و پراکنده کردن بذور شده و از طریق سم‌های خود و پخش کود در مراتع باعث بهبود ترکیب گونه‌های گیاهی می‌شوند و با سله‌شکنی خاک از طریق پایمال یا لگدکوب کردن، به جوانه‌زنی بذر در مراتع کمک می‌کنند. به اعتقاد برخی کارشناسان، فقدان چرا، باعث تنوع زیستی می‌شود. زیرا بوته‌ها و درختان، سایبانی ایجاد می‌کنند که مانع رسیدن نور و رطوبت به مناطق پایین‌تر شده و در نتیجه یک جامعه گیاهی بیش از حد کنترل شده را به وجود آورده که به بحران‌های طبیعی حساستر خواهند بود (رزاقی‌بورخانی و حسینی،۱۳۹۵: ۸۴).

رکود در مقابل عباراتی همچون پیشرفت، ترقی و توسعه قرار می‌گیرد (بیات و همکاران،۱۳۹۰: ۱۵۵). در تمامی اقتصادها و فعالیت‌های اقتصادی همواره دورانی وجود دارد که یا در حال بسط و

[۱] دپارتمان توسعه بین المللی (Department for International Development) یکی از دپارتمان‌های وزارت امور خارجه انگلستان است که مسئول اجرای کمک‌های خارج از کشور است. هدف این اداره "ترویج توسعه پایدار و رفع فقر جهانی" است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

گسترش بوده است و متعاقب آن وضعیت، رکود و کندی را تجربه می‌کند (محمدنژاد و همکاران،۱۳۹۶: ۱۱۰). دامداری نیز علی‌رغم مواهب و کارکردهایی که در بطن یک اقتصاد دارد، دوران افول و رکودی را تجربه می‌نماید. در بررسی و تحلیل علل رکود این بخش مولد، دلایل متعددی ذکر شده است که برحسب زیستگاه‌های عشایری، روستایی و صنعتی می‌توان به شرح زیر از آن نام برد:

اول، علل رکود دامداری در عرصه روستایی و صنعتی (بیات و همکاران، ۱۳۹۰؛ Rojas-Downing et al., 2017; CSA, 2016; Tilahun et al., 2017): *گرایش نیروی کار جوان به مشاغل غیرکشاورزی؛ مهاجرت‌های روستا-شهری و خروج نیروی کار از روستا؛ کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصاد کشاورزی به شیوه سنتی و خودمعیشتی؛ دانش ناکافی روستاییان در زمینه شیوه‌های نوین دامداری؛ فردگرایی و کاهش رغبت به تعاون در زمینه دامداری؛ گسترش فرهنگ شهری در بطن جامعه روستانشین و رواج مصرف‌گرایی در عوض تولیدگری؛ آسیب‌پذیری شدید از بیماری‌های دامی به سبب ناآشنایی با دستاوردهای علوم دامی و بهداشت دام؛ رکود قوه‌ی خلاقیت در جمع روستاییان به دلیل مهاجرت جوانان روستایی؛ محدودیت دسترسی به منابع مالی و اعتباری؛ ضعف مدیریت اقتصاد روستایی؛ ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از دامداران؛ فقدان تنوع در اقتصاد روستایی؛ بنیه‌ی مالی ضعیف دامداران؛ ضعف ساختارهای اقتصاد کشاورزی سنتی؛ بهره‌وری اندک دامدارای سنتی؛ گسترش برنامه‌های بهداشت محیط روستا و مشکلات بهداشتی نگهداری دام در بافت کالبدی و آسیب‌پذیری شدید دامداری از خشکسالی و کمبود علوفه.*

دوم، علل رکود دامداری در عرصه عشایری: *تاکنون از اهم موانعی که برسرراه دامداری در فضاهای عشایری برشمرده شده است می‌توان به کمبود آبشخورهای بهداشتی، کمبود علوفه، کمبود دامپزشک، برهم خوردن تعادل دام و مرتع، افزایش سرعت کوچ، ازبین رفتن مراتع میان بند، افزایش نرخ نهاده‌های دامی، خشکسالی متوالی، پائین بودن قیمت دام (قنبری، ۱۳۶۱؛ حیاتی، ۱۳۷۰؛ وزارت جهاد سازندگی،۱۳۷۲؛ کفیل‌زاده و همکاران،۱۳۸۱: ۲۲۱؛ فروزان،۱۳۹۳: ۱)، کمبود سرمایه، کمبود وسایل حمل و نقل، صعب العبور بودن مناطق برای کالارسانی، فقر اطلاعاتی، بی‌سوادی و ضعف فرهنگی، نبودن تعاونی‌های تولید و نبودن بازار مناسب (امان اللهی بهاروند، ۱۳۷۰) اشاره داشت که در آخرین مطالعه صورت گرفته نیز رزاقی‌بورخانی و حسینی (۱۳۹۵) این موانع را دسته‌بندی جدیدی از قبیل از موانع زیرساختی- نهادی، موانع مدیریت خانوادگی، موانع اقتصادی- مالی، محدودیت‌های ناشی از موقعیت اکولوژیکی- محیطی و زراعی، موانع حمایتی- پشتیبانی، موانع آموزشی- مهارتی، کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی نموده‌اند.*

به طور کلی امروزه در راستای صنعتی شدن واحدهای دامپروری، توجه کافی به دامداری‌ها به عمل نمی‌آید. از جهتی، سهم سرانه دامدار از مرتع روز به روز در حال کاهش است، زیرا اکثر مراتع یا به زمین کشاورزی تبدیل شده‌اند یا به دلیل چرای بیش از حد، محدود شده است. فشار بیش از حد به مراتع و در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

نتیجه تخریب و فرسایش خاک و گیاهان مرتعی موجب تولید علوفه کمتری شده که جوابگوی تعداد کمتری از دام‌ها است و نیاز به علوفه دستی بیشتر شده یعنی هزینه‌ها افزایش و سوددهی کاهش می‌یابد. تاجایی که مراتع حوزه با گرایش منفی حتی جوابگوی نیاز خوراک نیمی از دام‌های موجود نیست؛ به همین دلیل سطح تولیدات دامی پایین می‌آید و دامداری سنتی را باچالش‌های متعددی مواجه می‌سازد (حیدری‌مکرر و همکاران،۱۳۹۸: ۲۴۱).

در مجموع از تحلیل محتوای مطالعات صورت گرفته در خصوص تبیین علل رکود و افول فعالیت‌های دامداری در ایران نیز می‌توان به دو نتیجه کلی رسید: اول اینکه در هیچ یک از تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته و نتایج آن اشاره شده، افول دامداری در مقیاس ایران دیده نشده و دوم اینکه برای تحلیل رکود بخش مذکور، شاخص‌های کلان ملی که مبین شرایط اقتصاد سیاسی حاکم بر فضا بوده نیز در نظر گرفته نشده است.

۳) روش تحقیق

تحقیق به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی – تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از مطالعات اسنادی و بررسی‌های میدانی جمع‌آوری شده است. مطالعات اسنادی در تدوین بخش تئوری و همچنین گردآوری شواهد و برخی آمار مورد نیاز بخش یافته‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. بررسی‌های میدانی به دو بخش قابل تقسیم است: (۱) مصاحبه و گفت‌وگو با دامداران در ۴۲ روستای استان گیلان، ۶۷ روستای استان مرکزی و ۱۰۹ روستای استان خراسان جنوبی از خردادماه ۱۳۹۷ تا مردادماه ۱۳۹۸. در مطالعات محلی و روستایی انجام شده، شواهد بسیاری دال بر آنچه که در بخش مبانی نظری و سابقه تحقیق ذکر شد، به دست آمده است. به منظور پرهیز از تکرار، از بیان موارد و ادله‌ی مشابه تحقیقات قبلی صرف نظر شد و تأکید بر یافتن موارد کمتر اشاره شده در خصوص علل رکود دامداری و با مقیاس فراناحیه‌ای بوده است. از این رو، تلاش شد تا از محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با دامداران در مناطق سه گانه، نکات کلان استخراج گردد. (۲) پس از جمع‌آوری نکات کلیدی و کلان توجیه کننده‌ی علل بی-رونقی دامداری از منظر دامداران، موارد احصاء شده با کمک متخصصانی از حوزه‌های برنامه‌ریزی روستایی، اقتصاد توسعه و مدیریت جمع‌بندی شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی (برای تحلیل اسناد توسعه پنج ساله کشور) و تحلیل محتوای کمی (ارزیابی بودجه سنواتی کشور) استفاده شده که برای فراهم‌سازی امکان مقایسه داده‌ها در سنوات مختلف و همچنین خنثی نمودن اثر تورم سالیانه، رقم‌های ذکر شده به کمک شاخص قیمت کالا و خدمات در سال پایه ۱۳۹۵ تعدیل گردیده است. در نهایت به منظور جمع‌بندی داده‌ها از روش تحلیل موضوعی به شیوه‌ی «دیوی و گیلتین» استفاده شده است. این نوع رهیافت که خاص مطالعات میدانی است، شامل دو مرحله است: مرحله اول که خود شامل چهار زیرمرحله است عبارتند از الف) درگیری در تفکر قیاسی – استقرایی به طور همزمان؛ ب) ساخت و تدوین مقوله‌ها؛ ج) گروه‌بندی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع؛ و د) کشف معانی و تم‌های زیرین. مرحله‌ی دوم نیز به آماده کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد (محمدپور،۱۳۹۲: ۶۸-۶۷).

۴) یافته‌های تحقیق

وضعیت دامداری و دام کشور

به منظور بازنمایی تغییر و تحولات بخش دامداری در کشور تغییر میزان دام و تولیدات دامی بررسی شده است. تغییرات تعداد دام کشور طی سه دوره سرشماری عمومی نشان می‌دهد (جدول ۱) تعداد کل دام کشور از ۶۱۷۷۶ هزار رأس در سال ۱۳۷۲ به ۴۸۲۰۲ هزار رأس در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته و نرخ تغییرات نیز منفی ۲۲ درصد محاسبه شده است. در میانه دوره یعنی سال ۱۳۸۲، به لحاظ ترکیب دام کشور نیز یافته‌ها مؤید اختلاف شدید تعداد دام کوچک و بزرگ بوده است اما در مجموع نسبت به سال ۱۳۷۲ می‌توان شاهد کاهش تعداد دام بود. همچنین بیشترین کاهش تعداد دام در کل دوره مربوط به دام کوچک بوده است.

جدول ۱. تعداد دام کشور طی سرشماری‌های ۹۲-۱۳۷۲ (برحسب هزار رأس)

سال	دام کوچک	دام بزرگ	تعداد کل دام	نرخ رشد دوره
۱۳۷۲	۵۶۳۴۳	۵۴۳۳	۶۱۷۷۶	منفی ۲۲ ٪
۱۳۸۲	۵۷۳۰۴	۲۲۵۵	۵۹۵۵۹	
۱۳۹۲	۴۳۷۵۴	۴۴۴۸	۴۸۲۰۲	

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲؛ ۱۳۸۲ و ۱۳۹۲

از اصلی‌ترین کارکردهای دامداری در هر سرزمینی، تأمین مواد غذایی و پروتئینی جمعیت است؛ براین مبنا، بررسی میزان تولید گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور طی ۱۰ سال اخیر (۹۷-۱۳۸۷) نیز نشان می‌دهد بر حسب توان تولید پروتئین و گوشت از دام موجود در کشور شاهد شرایط رکود و افول بوده‌ایم (جدول ۲) و بدین‌معنا که میانگین رشد تولید گوشت قرمز در طول کل دوره منفی ۳ درصد بوده است (شکل ۲). این درحالی است که جمعیت کشور یعنی متقاضیان دریافت محصولات دامدارای در داخل بیش از ۱۰ میلیون نفر[1]رشد داشته است؛ باتوجه به اینکه در سال ۱۳۸۷ تولید ۱۴۱۱۳ هزار لاشه نیز به طور کامل پاسخ‌گوی نیاز داخل نبوده و دست به دامان واردات بوده‌ایم، کاهش تولید دام به میزان ۹۳۵۰ هزار لاشه در سال ۱۳۹۷ و رشد چند میلیونی جمعیت (یعنی رشد تقاضای محصولات دامی)، صرف نظر از کم‌رنگ شدن نقش دامداری در ساختار اقتصاد روستایی و عشایری آیا روند تغییرات مؤید شرایط خطر برای امنیت غذایی کل کشور به شمار نمی‌رود؟

[1] بنا به سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۷۵ جمعیت ایران برابر با ۶۰٬۰۵۵٬۴۸۸ نفر و در سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۹٬۹۲۶٬۲۷۰ نفر از سوی مرکز آمار ایران اعلام شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

جدول ۲. میزان تولید گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور (برحسب هزار لاشه)

سال	دام سبک		دام سنگین			مجموع دام
	گوسفند و بره	*بز و بزغاله*	*گاو و گوساله*	*گاومیش و بچه گاومیش*	*شتر و بچه شتر*	
۱۳۸۷	۱۰۰۳۸	۲۴۱۶	۱۵۷۸	۴۷	۳۴	۱۴۱۱۳
۱۳۸۸	۶۴۴۶	۱۹۱۳	۱۴۳۲	۳۱	۴۵	۹۸۶۷
۱۳۸۹	۴۸۸۴	۱۷۴۹	۱۲۳۵	۲۰	۲۹	۷۹۱۷
۱۳۹۰	۵۶۷۳	۱۸۴۲	۱۳۸۲	۲۶	۲۷	۸۹۴۹
۱۳۹۱	۶۸۲۸	۲۱۲۹	۱۳۷۸	۳۲	۲۶	۱۰۳۹۳
۱۳۹۲	۷۴۵۰	۲۲۰۶	۱۰۳۵	۲۰	۲۴	۱۰۷۳۵
۱۳۹۳	۹۱۹۶	۲۵۰۴	۱۱۲۶	۲۸	۱۹	۱۲۸۷۳
۱۳۹۴	۱۰۲۳۶	۲۵۵۲	۱۲۷۸	۲۹	۲۳	۱۴۱۱۶
۱۳۹۵	۹۷۰۹	۲۳۸۸	۱۱۸۳	۲۴	۲۴	۱۳۳۲۹
۱۳۹۶	۸۶۰۹	۲۲۲۳	۱۱۳۴	۲۲	۳۳	۱۲۰۲۱
۱۳۹۷	۶۳۹۵	۱۹۰۷	۱۰۰۳	۲۰	۲۵	۹۳۵۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸.

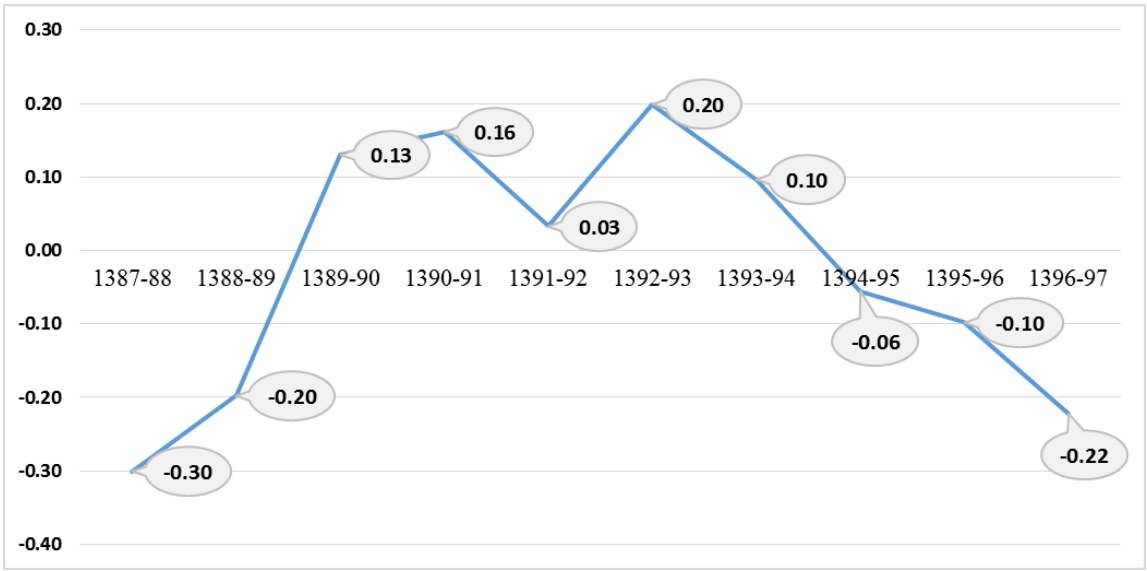

شکل ۱. نرخ رشد تولید گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور طی دوره ۹۷-۱۳۸۷

علل افول و رکود دامداری کشور

اول، رویکرد نئولیبرالیستی حاکم بر فضا

سیاست‌های اقتصادی که از سال ۱۳۶۸ در ایران نهادینه و ریل گذاری شد و هم اکنون نیز در کشور ما اساس بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات اجرایی است، سیاست‌های نئولیبرالی است. به طور کلی، رویکرد نئولیبرالیستی این گونه است که: *"دولت خود را نسبت به بازار و سرمایه متعهد می‌بیند و به مردم تعهدی ندارد؛ چراکه تصور می‌رود وقتی سرمایه به بخش سرمایه‌دار و سرمایه‌داران برسد [بخوانید بخش*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

خصوصی]، تراوش به پایین یا همان سرازیر شدن منافع به سمت گروه‌های کم درآمد و پایین دست رخ خواهد داد."

بنا به شرایط فعلی کشور می‌توان اذعان داشت که تمام مولفه‌های سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی را در اقتصاد ایران داریم و گزاره‌هایی همچون *"نوع فرآیند خصوصی‌سازی"*، *"نوع سیاست تعدیل ساختاری صورت گرفته"*، *"سیاست‌های حاکم در حوزه‌های سرمایه گذاری"* و *"سیاست‌های بانکی کشور"* مؤید واقعیت مذکور است؛ چراکه تاکنون تجربه و پیاده‌سازی هیچ یک از برنامه‌های ذکر شده، دارای منافع گسترده برای عامه مردم و طبقات متوسط و دهک‌های پایین جامعه نبوده است بلکه گروه‌ها و حوزه‌های اندکی از تجمع و انباشت سرمایه ملی نفع برده‌اند.

به طور مثال، یکی از اقدامات دولت یازدهم در خصوص کمک به جریان اشتغال و درآمدزایی جامعه روستایی و عشایری کشور، تصویب "برداشت حدود ۱٫۵میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی" و صرف آن در طرح ایجاد اشتغال روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۹۶ بوده است. بنا به آخرین آمار ارائه شده از جانب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد کل طرح‌های ثبت نام شده در «سامانه کارا» به منظور دریافت تسهیلات اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری برابر با ۸۹۴ هزار طرح بوده است. از بین طرح‌های ثبت شده، به ۱۱۲ هزار طرح پرداخت تسهیلات به میزان ۹۷ هزار میلیارد ریال صورت گرفته است. به عبارتی، تنها ۱۲/۵ درصد متقاضیان امکان بهره‌مندی از تسهیلات یافته اند.

جدول ۳. طرح‌های ثبت نام شده در سامانه کارا به منظور اشتغال پایدار روستایی

وضعیت طرح‌ها	تعداد (هزار)	درصد
رد شده	۳۸۱	۴۲/۶
در دست بررسی و تصمیم گیری	۴۰۱	۴۴/۹
منجر به دریافت تسهیلات	۱۱۲	۱۲/۵
ثبت نام شده در سامانه کارا	۸۹۴	۱۰۰

منبع: اسدی، ۱۳۹۸.

بررسی وضعیت توزیع طرح‌های دریافت کننده تسهیلات از محل اعتبارات اشتغال پایدار روستایی کشور در سه گروه عمده فعالیت‌های اقتصادی نشان داد که طرح‌های بخش کشاورزی دارای بالاترین فراوانی و پس از آن، طرح‌های صنعتی و در نهایت طرح‌های خدماتی بوده است. همچنین در بین فعالیت-های بخش کشاورزی، اطلاعات حاکی از این بوده که حوزه دامداری ۴۷ درصد (۳۸ هزار) طرح‌ها از طرح-های بخش کشاورزی را شامل می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

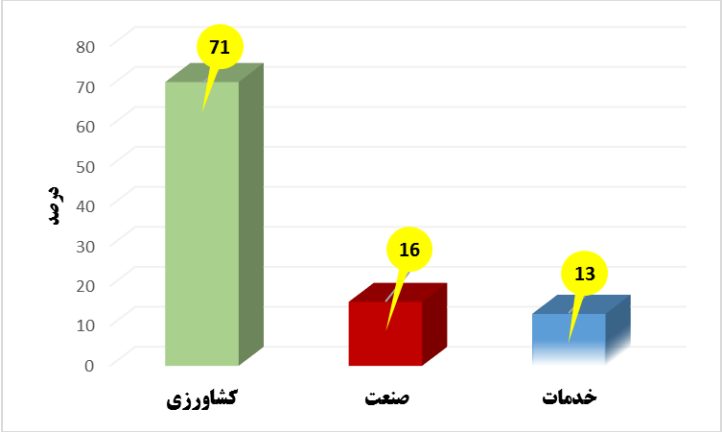

شکل ۲. توزیع درصدی طرح‌های دریافت کننده تسهیلات از محل اعتبارات اشتغال پایدار روستایی کشور در سه گروه عمده فعالیت‌های اقتصادی

منبع: اسدی، ۱۳۹۸.

جدول ۴. طرح‌های دریافت کننده تسهیلات از محل اعتبارات اشتغال پایدار روستایی کشور در بخش کشاورزی

نوع طرح‌ها	تعداد (هزار)	درصد
دام، طیور و شیلات	۳۸	۴۷
زراعت و باغداری	۴۲	۵۳
تعداد کل طرح‌های بخش کشاورزی	۸۰	۱۰۰

منبع: اسدی، ۱۳۹۸.

پس از بررسی وضعیت ارائه تسهیلات، دو سوال اساسی مطرح می‌شود: اول، "چرا سهم دریافتی‌ها از محل اعتبارات بسیار اندک بوده است؟" و دوم "آیا این اعتبارات (۹۷۰۰ میلیارد ریال) قابلیت ایجاد اشتغال پایدار در روستاهای کشور را دارد؟" در پاسخ بایستی اذعان داشت که رویکرد نئولیبرالی حاکم بر فضا سبب می‌گردد روز به روز دولت از کارکردهای رفاهی و حمایتی خود عقب نشینی نماید؛ این عقب نشینی در فرآیند توسعه پایدار روستایی خود را به صورت "عدم جدیت دولت در حل مشکل وثیقه‌های روستاییان به منظور دریافت تسهیلات از نظام بانکی"[۱]نشان می‌دهد؛ بنابراین، بسیاری از روستاییان امکان بهره‌گیری از فرصت سرمایه‌ای طرح مذکور را نداشته و در عوض، بسیاری از شهرنشینان صاحب نفوذ و توانمند، با عنوان جعلی روستایی بودن، توانسته‌اند اقدام به دریافت این تسهیلات کم بهره نمایند و در امور غیرتولیدی نظیر جراحی زیبایی صورت هزینه شده است. در مواردی از جانب جامعه روستایی اذعان گردیده که به امید مساعدت دولت در پرداخت تسهیلات به متقاضیان این طرح، ارقامی بین ۴۵ هزار تومان تا ۲۴۰ هزار تومان بابت ثبت نام و تدوین طرح توجیهی هزینه شده که در نهایت بی‌ثمر مانده

[۱] در دولت نئولیبرالی ایران برای حمایت از خودروساز و اقدام سریع در جهت خروج از رکود آن، به بخشی که کمتر از یک میلیون نفر (کارکنان به علاوه اعضای خانواده آنان) در آن دخیل هستند با ترفند عرضه اقساطی خودرو حمایت می کند اما در همان زمان که بیش از ۲۰ میلیون نفر جمعیت کشور در روستاها ساکن هستند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵) و تقریبا اقتصاد خانوار تمام این جمعیت با فعالیت دامداری عجین شده، شاهد هیچ ترفند به خصوصی برای حمایت این بخش نبوده ایم.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

است. در حقیقت، به سبب فراهم نبودن زیرساخت‌ها و رویکرد نامناسب حاکم (نئولیبرالی) می‌توان شاهد بود که تلاش برای تقویت فعالیت‌های مولد نظیر دامداری و دامپروری، منجر به پیامدهای مطلوب و مثبت نمی‌گردد.

دوم، رویکرد سیاست‌های کلان توسعه

توسعه هر فعالیت اقتصادی در بعد کلان وابسته به رویکردهای سیاستی است. از این رو، به تحلیل محتوای برنامه پنجساله پنجم و ششم توسعه کشور پرداخته شد تا رهنمون‌های محتوایی آن که خط و مشی نظام اجرایی را در برخورد یا حمایت از دامداران مشخص می‌نماید، شناخته شود. بنا به مطالعه صورت گرفته (شکل ۱ و۲)، روند محتوایی برنامه‌ی توسعه پنج ساله کشور طی ده سال اخیر حاکی از آن است که گزاره‌های تدوین شده در محتوای اسناد به دنبال حمایت از بخش دامداری بوده و حتی، گسترش زمینه‌های موضوعی مورد حمایت نیز از واقعیت‌های مسلم است. یک نقطه ضعفی که قابل توجه در برنامه‌ها این است که چشم انداز ویژه ای برای بهره گیری از فرصت دامداری و بهبود نقش آن در اقتصاد ملی و منطقه ای در برنامه های توسعه کشور ترسیم نشده است. گذشته از این‌ها، یک پرسش جدی مطرح می‌شود که چرا باوجود تأکیدات قانونی، باز هم وضعیت دامداری کشور رو به افول است؟ که پاسخ آن در ادامه آمده است.

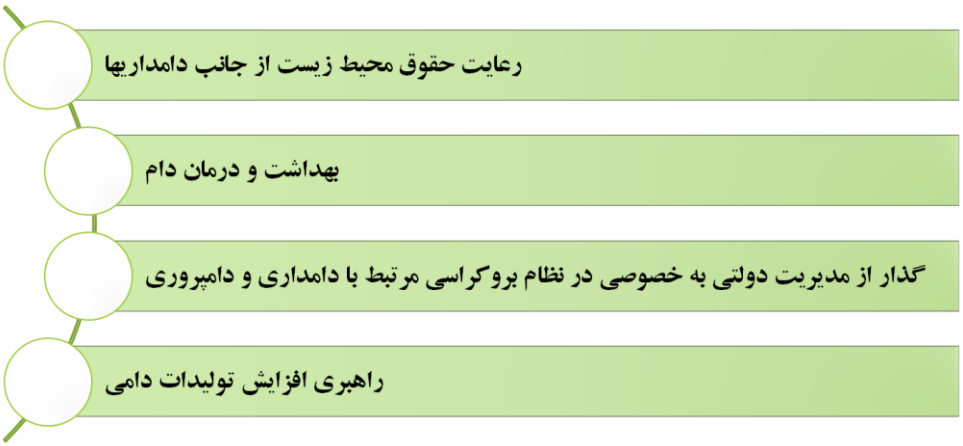

شکل ۳. رهنمون‌های حوزه دامداری در محتوای برنامه پنجم توسعه

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

شکل ۴. رهنمون‌های حوزه دامداری در محتوای برنامه ششم توسعه

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.

سوم، واردات دام

امروزه برای پاسخ‌گویی مناسب به تقاضاهای واقعی و شبه‌تقاضاها در داخل سرزمین، "واردات" اقدام اساسی مدیران و تصمیم‌گیران اقتصادی و حاکمیتی به شمار می‌رود و این عمل در کشورهایی که به مدد ثروت نفت از سرمایه‌داری بروکراتیک برخوردارند، شایع‌تر است. دام و دامداری نیز همچون بسیاری از بخش‌های مولد کشور، یکی از موضوعات اصلی واردات کشور است به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۷ از کشورهای همچون استرالیا، برزیل و رومانی واردات گسترده دام زنده صورت گرفته است (شکل ۳). در موضوع واردات دام و حتی خوراک و محصولات آن از منظر اقتصاد سیاسی، پرسش‌های عدیده‌ای وجود دارد که در ادامه به برخی از آن پاسخ داده شده است؛ اما اینکه، *"آیا وجود واردات دام و رشد آن، مطلقاً به ناتوانی بخش تولید در داخل باز می‌گردد؟"*، *"ضعف تولیدکنندگان دام و فرآورده‌های دامی چه سنخیتی با رانت‌خواری رو به تزاید نظام سرمایه‌داری بروکراتیک کشور تحت لوای «بورس‌بازی ارز» دارد؟"*، *"نُرم تغییرات میزان واردات دام و محصولات دامی با «نمودار تغییرات تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی» بیشتر هم‌آهنگی دارد یا با «نفع‌خواهی واردات‌چیان متصل یا شبه‌منفصل از نظام سرمایه‌داری بروکراتیک کشور»؟"* و غیره.

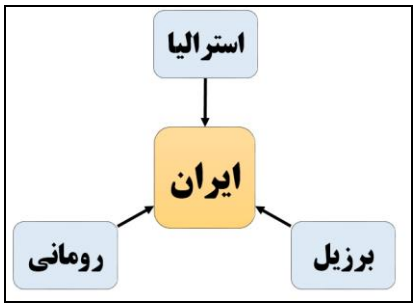

شکل ۵. کانون‌های اصلی واردات دام زنده به کشور در سال ۱۳۹۷

منبع: https://www.mashreghnews.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

بررسی‌ها نشان می‌دهد هر گاه در تاریخ اقتصادی ایران تکانه‌های رشد درآمدهای ارزی بوده، به سمت واردات گسترده پاگذاشته شده است و هر زمان، درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت محدود گردیده، برعکس شده است؛ به طور مثال در شکل زیر، با شروع دوره‌ی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از حدود سال ۹۰، شاهد کاهش واردات گوشت قرمز و پس از برجام و امید به رشد درآمدهای ارزی یعنی حدود سال ۹۴ به بعد، می‌توان شاهد رشد واردات گوشت دام بود. همچنین در سال ۹۷ که برجام نافرجام ماند، افول واردات گوشت را می‌توان شاهد بود. به طور کلی نیز طی دوره مورد مطالعه، تغییرات واردات گوشت دام تاحدودی رو به رشد بوده است.

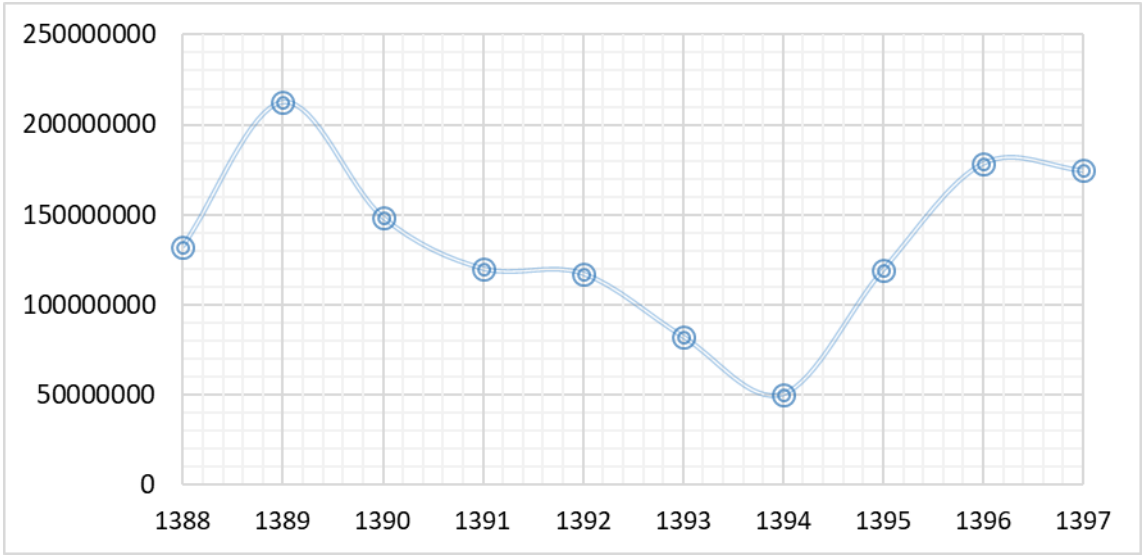

شکل ۶. نمودار واردات گوشت قرمز به کشور طی دوره ۹۷-۱۳۸۸ (کیلوگرم)

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸.

بنا به اذعان رسمی مدیرعامل اتحادیه دامداران (۱۳۹۷) گوشت تولید داخل جوابگوی ۹۰ درصد نیاز کشور است. بر اساس جدول زیر، مازاد واردات هم سبب خروج ارز از کشور، هم رقابت بین تولید کننده و وارد کننده می گردد.

جدول ۵. سهم واردات در پاسخگویی به نیاز سالیانه گوشت قرمز جمعیت کشور (کیلوگرم)

سال	متوسط نیاز سرانه گوشت قرمز (کیلوگرم در سال)	جمعیت	نیاز سالیانه گوشت دام (هزارتن)	میزان واردات گوشت دام (هزارتن)	درصد پاسخگویی واردات گوشت به نیاز سالیانه جمعیت
۱۳۹۰	۱۱/۶	۷۵۱۴۹۶۶۹	۸۷۲	۱۴۹	۱۷/۶
۱۳۹۵	۱۰/۳	۷۹۹۲۶۲۷۰	۸۲۴	۱۱۹	۱۴/۵

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۶؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

با افزایش قیمت‌های جهانی، قیمت نهاده‌های دامی رشد چشمگیری داشته که در برخی اقلام به حدود ۹۰ درصد افزایش قیمت رسیده است و وارداتی بودن این اقلام در نهایت موجب افزایش بهای تمام شده گوشت قرمز می‌شود.

در این شرایط دولت به منظور کنترل قیمت گوشت قرمز، حقوق ورودی[۱]واردات گوشت گوساله را کاهش داده و به ۱۴ درصد رسانده است (http://www.baeghtesad.com) که چنانچه دولت مصوبه کاهش حقوق ورودی را برای نهاده‌های دامی تولیدکنندگان گوشت قرمز تخصیص می‌داد تا به وسیله آن، تولیدکننده داخلی تشویق به تولید بیشتر شده و قیمت تمام‌شده تولید کاهش می‌یافت، اثر بیشتری بر روند کاهش قیمت‌ها داشت. در این حالت، با کاهش هزینه تولید، گوشت قرمز با قیمت کمتری در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گرفت و با حمایت از تولیدکننده داخلی، شرایط اقتصادی کشور بهبود می‌یافت. دولت در این رویه تصمیم‌گیری به جای آنکه از تولیدکنندگان گوشت حمایت کند، از واردکنندگان آن حمایت کرده است، دولت به دنبال تاثیر آنی در بازار بوده است تا حمایت بلندمدت از اشتغال‌آفرینی. این یعنی یک سیاست‌گذاری دم‌دستی!

در این میان شرکت‌های مهم بورسی که از این افزایش قیمت تاثیر می‌پذیرند، عبارتند: از شیر و گوشت زاگرس شهرکرد، کشاورزی و دامپروی مگسال، کشت و دام گلدشت نمونه اصفهان. با توجه به خروج آمریکا از برجام، پیش‌بینی می‌شود که گروه‌های صنعت خوراکی همچون زراعت و خدمات وابسته، تاثیر منفی از اتفاقات سیاسی نپذیرند.

چهارم، سهم دامداری در نظام توزیع ثروت

هر فعالیت اقتصادی برای حیات و پیشرفت نیازمند حمایت‌های مالی و سرمایه‌ای دارد. دامداری نیز به جهت اینکه بخش اعظم فعالان آن از گروه‌های کم‌درآمد جامعه (روستاییان و عشایر) است و از سوی دیگر، گردش سرمایه این فعالیت مولد برای تأمین نیازهای آنی بنگاه‌دار به کندی و معمولا یکساله است، نیازمند حمایت‌های سرمایه‌ای کافی و اولویت‌دار از جانب دولت است.

به منظور بررسی سهم دامداری از ثروت و سرمایه ملی، به تحلیل محتوای ارقام بودجه سنواتی کشور پرداخته شده است. بودجه سال‌های ۹۰، ۹۵ و ۹۸ برای آگاهی یافتن از روند تغییرات انتخاب و تحلیل شده است. بنا به اطلاعات نمودار زیر می‌توان اذعان داشت که سهم دامداری از ثروت و سرمایه کشور طی دوره مورد بررسی کاهش داشته به گونه‌ای که این میزان نزدیک به یک دوم بوده است.

[۱] حقوق ورودی برابر است با حقوق گمرکی معادل ۴ درصد ارزش گمرکی کالا به علاوه سود بازرگانی که توسط هیات وزیران تعیین می شود، به علاوه وجوهی که به موجب قانون، گمرک مسئول وصول آن است و به واردات قطعی کالا تعلق می‌گیرد .ولی شامل هزینه های انجام خدمات نمی شود. حقوق گمرکی همیشه در سال های مختلف ثابت است و دولت در اصل برای تنظیم بازار و حمایت از تولیدات داخل اقدام به تغییر در نرخ سود بازرگانی می‌کند. در واقع سود بازرگانی در کتاب تعرفه گمرک وجود خارجی ندارد و در دل حقوق ورودی قرار می گیرد .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

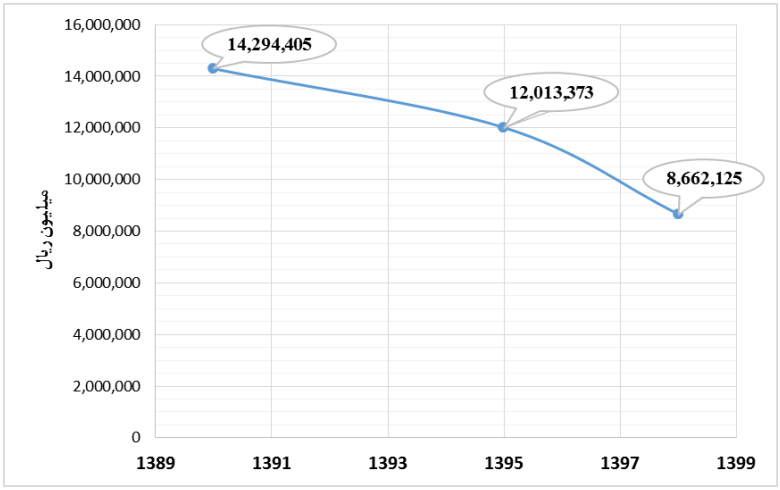

شکل ۷. تغییرات ثروت تخصیص یافته به بخش دامداری در بودجه سنواتی کشور طی دوره ۹۸-۱۳۹۰ [1]

منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۸، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸)

پس از پاسخ یافتن این پرسش که سهم دامداری از بودجه سنواتی به چه میزان است؟ پرسش مهم دیگر این است که در ذیل موضوع دامداری، چه زمینه‌های برای توسعه و ترقی این بخش مولد دیده شده و اعتبارات بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است؟ چراکه علاوه بر کم یا زیاد بودن ارقام بودجه، سرفصل اعتبارات در زیرگروه دامداری به ما می‌گوید که رویکرد نظام سیاست‌گذاری و اجرایی در قبال دامداری چگونه بوده است. بدین‌سان، بررسی سرفصل‌های اعتبارات تخصیص یافته به دامداری در سال-های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ نشان داد (شکل ۶) در سال ۱۳۹۰ تنها در سه حوزه‌ی "کمک به تولید دام و فرآورده‌های دامی"، "بهداشت دام و تولیدات دامی" و "تقویت نهاده‌های دامی" توزیع ثروت انجام شده است و درصد توزیع به ترتیب شامل ۶۱ درصد، ۳۱ درصد و ۸ درصد بوده است.

در سال ۱۳۹۵ حوزه‌ی "اموزش و پژوهش در زمینه دام" به سرفصل‌های تخصیص اعتبارات بخش دام اضافه گردیده که ۷۶ درصد منابع به آن اختصاص یافته و سایر سرفصل‌ها به ترتیب شامل "بهداشت دام و تولیدات دامی" ۱۶ درصد، "کمک به تولید دام و فرآورده‌های دامی" ۸ درصد و "تقویت نهاده‌های دامی" نیز کمتر از یک درصد به آن تخصیص داده شده است.

در بودجه سال ۱۳۹۸، سرفصل بیمه دام نیز اضافه گردیده که حجم سرمایه تخصیص یافته به آن کمتر از یک درصد بوده است. سایر سرفصل‌های تخصیصی به ترتیب حوزه‌ی "اموزش و پژوهش در زمینه دام" ۶۳ درصد، "بهداشت دام و تولیدات دامی" ۳۱ درصد، "کمک به تولید دام و فرآورده‌های دامی" ۴ درصد و "تقویت نهاده‌های دامی" نیز کمتر از یک درصد از ارقام بودجه سالیانه را به خود اختصاص داده است.

برآیند وارسی سرفصل‌های بودجه‌ای طی ۱۰ گذشته حاکی از این است که دو حوزه‌ی "آموزش و پژوهش در حوزه‌ی دام" و "بیمه دام" اضافه گردیده و یک نکته قوت به شمار می‌رود. باتوجه به اینکه

[1] به منظور فراهم شدن امکان مقایسه ارقام بودجه و خنثی نمودن اثر تورم سالیانه بر اعداد، به کمک شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی کشور در سال پایه ۱۳۹۵ داده ها تنزیل شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

موارد نوآمده به بودجه دارای اثر سرمایه‌ای در درازمدت دارد و دامداران نیز برای استمرار تولیدشان نیاز آنی به منابع سرمایه‌ای دارند، اختلاف سهم دو حوزه‌ی "کمک به تولید دام و فرآورده‌های دامی" و "تقویت نهاده‌های دامی" با حوزه‌ی "آموزش و پژوهش در زمینه دام" از منابع بودجه، یک خطای محاسباتی در بودجه‌ریزی است که دلسردی تولیدکنندگان دام را از فضای حاکم تشدید می‌نماید.

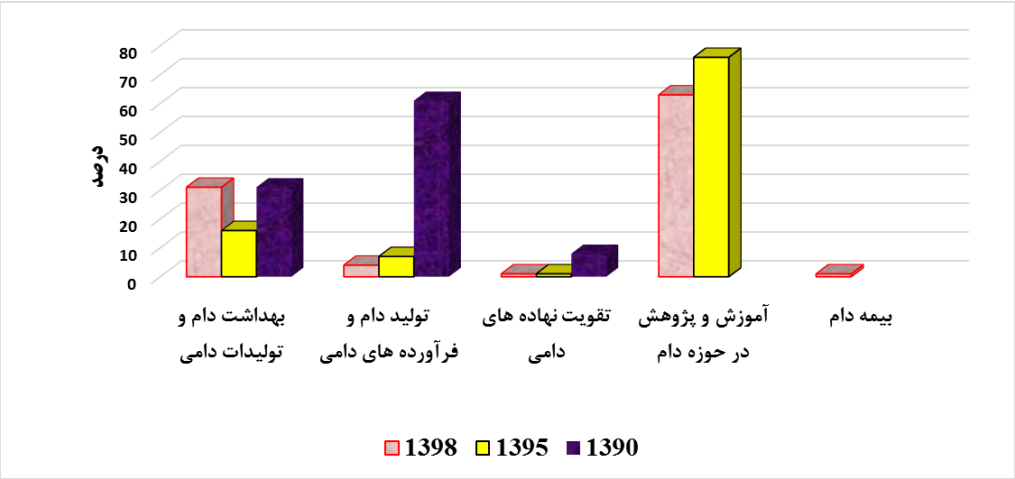

شکل ۸. مقایسه سهم سرفصل‌های اعتبارات تخصیص یافته به حوزه دامداری در بودجه سنواتی کشور

پنجم، قاچاق دام

یکی از عوامل تهدید کننده‌ی بخش مولد دامداری "قاچاق دام" است که به تکرار در اقصی نقاط کشور انجام می‌گردد. در کشورهای شرقی ایران (به ویژه پاکستان) قیمت دام ارزان‌تر از داخل کشور است. به طور مثال، در برخی از مناطق کشور نظیر بلوچستان، قاچاق دام به داخل صورت می‌گیرد چرا که دام در پاکستان ارزان است و قاچاقچیان دام را به کرمان و مناطق مرکزی می‌رسانند. این در حالی است که بنا به اذعان رئیس سازمان پشتیبانی امور دام استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۸)، اجازه حمل و نقل و جابجایی به دام‌های بومی استان سیستان به خارج از استان داده نمی‌شود.

از سوی دیگر، در غرب ایران به ویژه عراق و ترکیه، به دلیل نوسانات قیمت ارز و گران‌تر بودن قیمت دام در آن‌سوی مرزها، ترجیح بر فروش و قاچاق دام است که به طور مثال یکی از مبادی خروج دام بنا به اذعان رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی (ملکی، ۱۳۹۸) ناحیه بانه است. از این رو، مبادلات قاچاق دام، هم به صورت صادرات غیرمجاز و هم واردات غیرمجاز، از مبادی غیررسمی صورت می‌گیرد.

بازار رسمی فروش دام و محصولات دامی برای تولیدکنندگان داخل دارای محدودیت‌هایی است و در عوض، قاچاقچیان دام از این فرصت استفاده نموده و به طور غیررسمی از ظرفیت بازار به نفع خود بهره می‌برند که نتیجه‌ی آن، تضعیف تولیدکنندگان داخلی (عشایر و روستاییان دامدار) بوده است. همچنین از دیگر پیامدهای نامطلوب آن، تهدید بسیاری از بیماری‌های دامی و نیز بیماری‌های مشترک بین انسان و دام نظیر تب هموراژیک کریمه کنگو، تب مالت و سل در اثر جابجایی و نقل و انتقال احشام بدون مجوز بهداشتی اتفاق می افتد که سبب به خطر افتادن سلامت دام و شهروندان می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

به طور کلی، قاچاق دام به دو شکل می‌تواند منجر به مختل نمودن رویه‌ی تولید در داخل شود: اول، با ورود بی‌رویه دام و فزونی دام قابل عرضه نسبت به تقاضای واقعی بازار داخل که به ضرر تولیدکننده داخلی تمام می‌شود؛ دوم، با خروج دام از کشور به‌ویژه دام ماده، امکان دسترسی تولیدکنندگان داخل به دام مولد را محدود می‌سازد و افزایش شدید قیمت‌ها را به ضرر دامدار واقعی به دنبال دارد، زیرا با گرانی دامداران برای دوره‌ی بعدی تولید نیازمند سرمایه جهت راه‌اندازی تولید هستند.

ششم، رانتیریسم و برتری فعالیت‌های نامولد در رقابت با تولید

نفت و درآمدهای نفتی دارای اثرات خاصی بر حیات اجتماعی و اقتصادی کشور است. از بارزترین پیامدهای اقتصاد نفتی، پدیده "رانت" است و در تعریف آن می‌توان گفت «درآمدی که بدون زحمت و تلاش یدی به دست می‌آید (ازغندی، ۱۳۸۸)». با توسعه رانتیریسم تشدید روحیه رانت‌جویی بوجود می-آید (فضلی‌نژاد و احمدیان،۱۳۸۹: ۱۳۶) یعنی اینکه *"با زحمت کمتر درآمدها و سودهای هنگفت به دست آید حتی اگر به قیمت زیرپاگذاشتن قوانین جامعه باشد"*، به عنوان یک ارزش فرهنگی برتر شناخته می‌شود. رانت‌جویی و مدیریت ناکارآمد عرصه‌های اقتصادی فضا از جانب مدیران حاکم (نظیر پول‌پاشی‌ها و مشارکت در موج‌سواری بر نوسانات طلا و دلار جهت تأمین کسری بودجه و امثال آن) منجر می‌شود که به دنبال آن فعالیت‌های غیرمولد (نظیر بورس بازی زمین، خرید و فروش طلا، دلالی دلار، خرید و فروش خودرو و غیره) گسترش یابد؛ چراکه هرچند کاملا متضاد با اهداف و اخلاق توسعه است اما از حیث منطق اقتصاد فردی توجیه‌پذیر است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که *"یک دامدار چه میزان منافع در عوض سرمایه و تلاشی که در این بخش مولد صرف می‌نماید، در مقایسه با فعالیت‌های غیرمولد دارد؟"* بنا به بررسی‌های صورت گرفته در استان‌های مرکزی، گیلان و خراسان جنوبی در دامداری سنتی، به طور متوسط چنانچه دامداری مالک ۴۰ رأس دام سبک یا ۱۰ رأس دام سنگین باشد، امکان مدیریت اقتصاد خانوار دارد؛ اگر قیمت هر کیلوگرم دام سبک زنده ۳۸ هزار تومان (آذرماه ۱۳۹۸) و وزن هر رأس دام زنده (برابر با سن ۶ ماهگی دام از نژادهای مختلف) به طور متوسط ۳۳ کیلوگرم در نظر گرفته شود، حداقل سرمایه لازم برای تهیه آن ۴۰ رأس دام سبک نزدیک به ۵۰ میلیون تومان است. هزینه نگهداری هر رأس دام سبک اعم از دارو، نیروی انسانی و با این پیش فرض که خرید علوفه نیز از جانب دامدار صورت گیرد، ماهیانه نزدیک به ۱۲۰ هزار تومان برآورد می‌شود. از این رو، برای ۴۰ رأس دام سبک و تا ۶ ماه (تا زمانی که وزن گوسفند بیش از یک و نیم برابر شود) بیش از ۳۲ میلیون تومان هزینه لازم است (اگر وزن گوسفند دو برابر شود، با کسر هزینه نیروی انسانی، سود دامدار فقط زایش‌ها خواهد بود و این درحالی است که احتمال مرگ و میر دام و بیماری‌ها نیز ریسک وجود دارد). در مجموع می‌توان گفت یک دامدار با بهره‌برداری از ۴۰ رأس دام سبک به درآمد ناخالصی در حدود ۹۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد که وی برای کسب این درآمد بایستی ۸۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه نماید. یعنی سود خالص این فعالیت مولد برای فرد دامدار هشت میلیون و ۶۰۰ هزار تومان خواهد بود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

جدول ۶. محاسبات سرمایه و سود نگهداری ۴۰ رأس دام سبک برای هر بهره‌بردار دامداری در ایران

سرمایه اولیه	قیمت هر رأس دام سبک زنده (هزارتومان)	وزن هر رأس دام زنده – شش ماهه (کیلوگرم)	جمع کل سرمایه لازم برای تشکیل گله ۴۰ رأسی (میلیون تومان)
	۳۸	۳۳	۵۰/۲
هزینه‌ها	هزینه نگهداری هر رأس دام سبک (ماهیانه - هزار تومان)	هزینه نگهداری هر رأس دام تا ۶ ماه (هزار تومان)	جمع کل هزینه برای نگهداری گله ۴۰ رأسی (میلیون تومان)
	۱۳۵	۸۱۰	۳۲/۴
درآمد ناخالص	قیمت هر رأس دام سبک زنده (هزارتومان)	وزن هر رأس دام زنده – زمان فروش در بازار (کیلوگرم)	درآمد ناخالص از فروش تمام گله ۴۰ رأسی (میلیون تومان)
	۳۸	۶۰	۹۱/۲

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۸/ محاسبات صورت گرفته میانگین دام سبک از نوع میش و بز رایج در دامداری‌های کشور است و نژادهای پربازده‌ای که چندان همه‌گیر نشده (نظیر بز سانن) از آن صرف نظر شده است. / باتوجه به اینکه تورم اثر آن هم در قیمت دام زنده و هم در هزینه‌ها وجود دارد، نادیده گرفته شده است.

مثال بدیل دامداری از نوع فعالیت‌های غیرمولد: اگر دامدار مورد نظر در عوض سرمایه‌گذاری در فعالیت دامداری، در بازار طلا سرمایه‌گذاری نماید، چه منافعی می‌برد؟ جهت روشن شدن مسئله، بررسی‌ها نشان داد در ۲۱ آذرماه ۱۳۹۸ قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار ۴۵۵۹۰۰ تومان بوده است. به اندازه سرمایه اولیه خرید ۴۰ رأس دام سبک (یعنی ۵۰/۲ میلیون تومان) در تاریخ مذکور امکان خریداری ۱۱۰ گرم طلای ۱۸ عیار بوده است؛ این مقدار طلا در ۷ فروردین ماه ۱۳۹۹ (یعنی کمتر از ۴ ماه بعد) به قیمت هر گرم طلا ۶۱۹۱۰۰ تومان[۱] به دلیل نوسانات به سرمایه‌ای برابر با ۶۸ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان افزایش می‌یافت. به عبارت دیگر، هر دامداری در عوض سرمایه‌گذاری در فعالیت دامداری با فرض کفایت ۴۰ رأس دام سبک، اگر سرمایه اولیه را در فعالیت غیرمولدی همچون بورس طلا سرمایه‌گذاری نماید، بدون هیچ گونه هزینه و تعامل با نظام بروکراسی اداری جهت دریافت وام یا دیگر دغدغه‌های تولید، می‌توان در بازه‌ی زمانی کمتر از دوره‌ی پرورش دام به سودخالصی برابر با ۱۷ میلیون و ۹۶۰ هزار تومان دست یابد و این سود، بیش از دوبرابر سود ریسک‌دار از فعالیت دامداری است که دامدار بایستی پس از صرف ۳۲/۴ میلیون تومان هزینه به آن برسد.

بدیل‌های متعددی می‌توان نام برد که بسیار به‌صرفه‌تر از فعالیت مولدی همچون دامداری است و با سرمایه‌گذاری اندکی می‌توان منافع بیشتری به دست آورد؛ از آنجا که رانتیریسم و فعالیت‌های غیرمولد به طور پیوسته در حال رشد است، روز به روز در فضای اجتماعی کشور و به‌ویژه در جمع تولیدگران و دامداران مقایسه‌ها و اقتصادسنجی‌ها عوامانه که نفع‌نگری شخصی در عوض انتفاع اقتصاد ملی، محور و کانون است، منجر به زمینه‌سازی بدجلوه‌گری بخش مولد (دامداری) و وسوسه‌ی فعالیت‌های رانتجویانه در اذهان می‌شود. افراد و مصادیق بی‌شماری در اقصی نقاط کشور وجود دارد که دامداران دام‌شان را فروخته و امروز نمایشگاه‌دار خودروهای سبک و سنگین هستند یا در انتظار بازشدن سایت ایرانخودرو و

[۱] قیمت طلا در هر دوبازه زمانی مذکور از شبکه اطلاع رسانی طلا، سکه و ارز اخذ شده است (https://www.tgju.org)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

سایپا برای ثبت نام خودرو؛ به طور نمونه در روستاهای سروباد، نوغاب و خور که از کانون‌های پرورش و نگهداری شتر در شهرستان خوسف و روستای تاقان در شهرستان درمیان که دامداری اساس اقتصاد خانوارهای عشایری در استان خراسان جنوبی بوده، دامداران بسیاری اقدام به فروش دام و خرید ماشین سنگین و نمایشگاه‌داری نموده‌اند.

هفتم، تغییرات نرخ تورم

تغییرات شدید نرخ تورم، از ویژگی‌های بارز اقتصاد ایران است. بررسی‌ها نشان داد طی دوره ۹۸-۱۳۸۵ نرخ تورم سالیانه دارای افت و خیز شدید بوده است. پایین‌ترین میزان تورم مربوط به سال ۱۳۹۵ با رقم ۹ درصد و بالاترین آن نیز مربوط به سال ۱۳۹۸ (تا آذرماه) با رقم ۴۱/۱ درصد بوده است. میانگین نرخ تورم دوره برابر با ۲۰ درصد محاسبه شده است. همچنین رشد نرخ تورم از ابتدا تا به انتهای دوره حدود ۲/۵ برابر بوده است. با نگاهی به نمودار تغییرات قیمت نهاده‌های دامی طی دوره ۹۸-۱۳۹۵ نیز می‌توان دریافت که تورم اثر قابل توجهی یعنی رشد حدود ۱۷ برابری قیمت نهاده‌ها داشته است. البته برای بازه زمانی ۱۴ سال و الگوی حاکم بر منحنی تغییرات تورم کشور، این مسئله تا حدبسیار زیادی پذیرفتنی است؛ اما با نگاهی به نمودار تغییرات سالیانه، ماهیانه و حتی روزانه‌ی قیمت نهاده‌های دامی که تداعی‌گر "تغییرات یک تالار بورس" را دارد، به صورت یک مسئله بغرنج ظاهر می‌شود؛ چراکه اولا دامدار امکان برآورد دقیق از میزان هزینه جاری و منافع پایان دوره ندارد و ثانیاً، مدل تغییرات به گونه‌ای است که بسیاری از دامداران و دامپروران، برای آغاز دوره بعدی پرورش دام، اگر تمام سرمایه به علاوه سود دوره قبل را مجموعا سرمایه‌گذاری نمایند، امکان فعالیت با مقیاس قبلی را ندارند چراکه تورم ارزش سرمایه آنان را به شدت تنزل می‌بخشد. بنابراین بسیاری از تولیدگران تمایل به خروج سرمایه از این حوزه دارند.

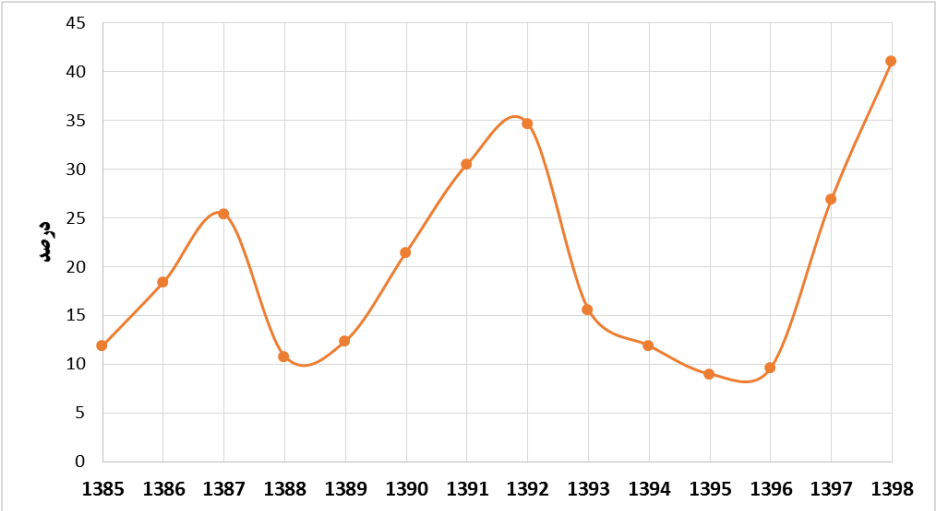

شکل ۹. روند تغییرات نرخ تورم سالیانه در کشور طی دوره ۹۸-۱۳۸۵

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۸/ شاخص تورم سال ۱۳۹۸ مربوط به آذرماه درج شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

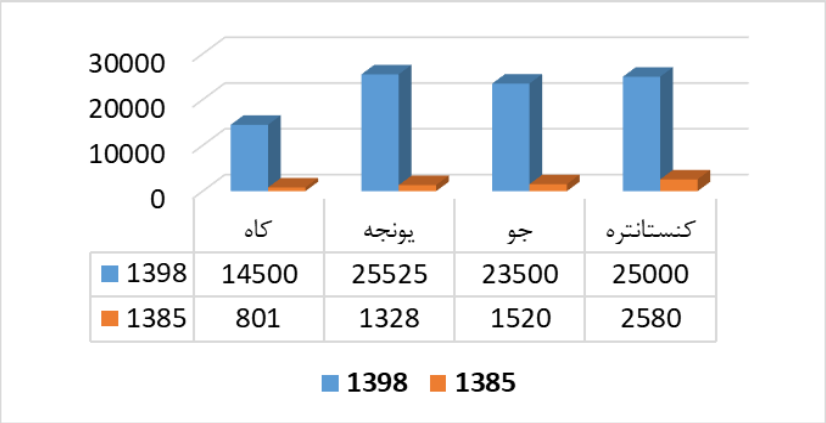

شکل ۱۰. روند تغییرات قیمت برخی نهاده‌های دامی در کشور طی دوره ۹۸–۱۳۸۵

منبع: بازار بزرگ کشاورزی ایران، ۱۳۹۸.

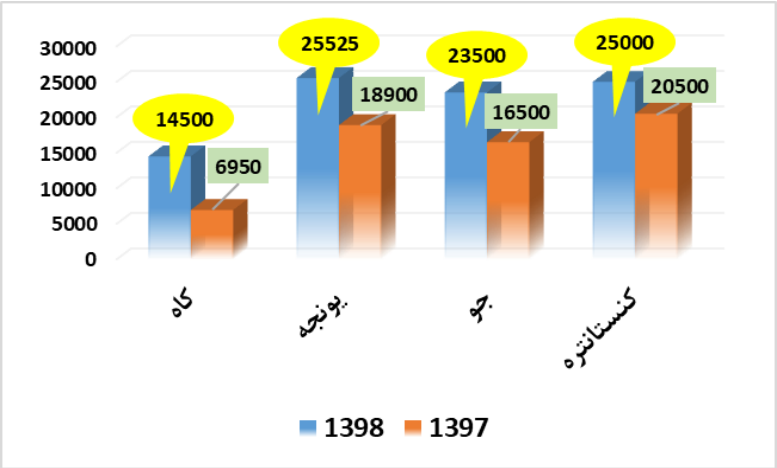

شکل ۱۱. روند تغییرات قیمت برخی نهاده‌های دامی در کشور طی یکسال اخیر (بازه زمانی آذرماه)

۵) نتیجه‌گیری

بنیاد توسعه اقتصادی هر سرزمینی بر پایه رشد و ترقی فعالیت‌های مولد آن است. دامداری از جمله فعالیت‌هایی است که در بعد مکانی و فضایی دارای آثار مهم و بی‌بدیلی است. ارتباط تنگاتنگ دامداری با معیشت بخش قابل توجهی از جمعیت و مقوله امنیت غذایی و سلامت جامعه، بر اهمیت آن می‌افزاید. علی‌رغم نقش اقتصادی برجسته دامداری، شواهد بی‌شماری حاکی از این است که در ایران طی دهه اخیر رکود رو به‌تزایدی در این بخش تولیدی حاکم شده است.

تلاش برای تبیین علل تکانه‌های رکود دامداری در ایران به تأسی از اقتصاد سیاسی حاکم بر فضا مؤید این واقعیت بوده که هفت عامل در چارچوب ساختاری برهم‌کنشی منجر به پدیده افول در دامداری کشور شده است. در حقیقت، نظام مدیریت اقتصاد سیاسی فضا به هنگام پی‌ریزی بنیان مدیریت آینده یعنی از زمان تدوین برنامه‌های توسعه، رویکردی کلاسیک و خطی در قبال تغییرات و عوامل مؤثر بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

فعالیت‌های دامداری اتخاذ نموده و در هیچ یک از برنامه‌ها تصمیمی برای احتمالات غیرقابل پیش‌بینی اتخاذ نشده است. همچنین علی‌رغم اینکه فضای رانتیری حاکم بر کشور و عواقب آن دهه‌ها است که از سوی خردورزان دغدغه‌مدار شناسانده شده، با این وجود از وارسی سازه‌های ذهنی حاکم بر روند توسعه کشورمان می‌توان نتیجه گرفت که برای یک فعالیت مولدی نظیر دامداری، هیچ تدبیری برای کمک به پیشرفت آن در رقابت با فعالیت‌های رانت‌جویی و غیرمولد اندیشیده نشده است.

به تأسی از رویکرد سیاستی حاکم، سهم دامداری از منابع ثروت کشور به گونه‌ای مناسب طرح‌ریزی نشده تا پاسخ‌گوی جدی نیاز مالی تولیدکنندگان باشد. از سوی دیگر، تورم و رشد شدید هزینه‌های پرورش دام برای دامداران سبب گردیده تا دامداری در اقتصاد ملی و محلی چندان فعالیت اقتصادی پربازده و کارآ جلوه ننماید. همچنین رانت‌جویی رو به رشد و پنهان در لایه‌های مدیریت و اقتصاد کشور مزید بر علت شده و دامداری را با چالش‌های جدی برای جهش و ترقی مواجه ساخته است؛ زیرا در عوض اینکه مدیریت سیاسی و اقتصادی سرزمین به حمایت از دامداری و دامداران برخیزند، بلکه با چشم‌پوشی از واردات بی‌قاعده دام، پشتیبانی از واردات‌چیان و نابرنامه‌ریزی برای کنترل فعالیت‌های نامولد و جلوگیری از گسترش این فعالیت‌ها، از جانب آن موانعی بر سرراه توسعه و پیشرفت این بخش مولد قرار داده می‌شود.

از منظر اقتصاد سیاسی می‌توان گفت دامداری در ایران به عنوان یک بخش مولد خرده‌پا است که نظام مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور از آن به عنوان "ابزاری" در خدمت تأمین و تجهیز منافع سرمایه-داری بروکراتیک و وابستگان رانت‌جوی آن استفاده می‌کند. این ابزار گاهی برای اعطای سرمایه از منابع ملی در قالب تسهیلات ارزان قیمت (به عنوان کارآفرینی‌های روستایی) به شهرنشینان متمول و وابسته به بروکرات‌ها استفاده می‌شود؛ گاهی آن ابزاری است تا رانت‌خواران وابسته بتوانند به بهانه واردات دام یا خوراک آن و مابه‌التفاوت قیمت ارز دولتی و آزاد، منافع چند میلیاردی کسب نمایند.

در نهایت، دامدارای از آنجا که همچون سایر بخش‌های مولد اقتصادی دارای تولید ثروت آنی و فراوان نیست (علی‌رغم اینکه دارای بُرد اشتغال‌زایی است)، از سوی دیگر، سرمایه‌داری حاکم در کشور به دنبال حداکثر سودیابی با حداقل ریسک بوده که توجیه‌کننده‌ی انتفاع سرمایه‌گذاری‌های کلان و هلدینگ‌های داخلی و خارجی است؛ بدین‌سان فعالیت‌های دامداری در مسیر افول و رکود قرار گرفته است. به نظر می-رسد اصلی‌ترین راه‌برون رفت از سراشیبی فعالیت‌های دامداری، ابتدا تغییر رویکرد به فعالیت‌های مولد و برنامه‌ریزی برای محدودساختن بخش غیرمولد اقتصاد کشور است که نقطه‌ی آغاز آن، اصلاح در رویکرد اقتصاد سیاسی کشور است.

۶) منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، **جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران**، انتشارات اطلاعات، تهران.
- اسدی، رامین (۱۳۹۸)، **۹۷۰۰ میلیارد تومان وام اشتغال روستایی را چه کسانی گرفتند؟**، مشاهده شده در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

- اسدی‌کرم، سمیه (۱۳۹۳)، **تحلیل بهره‌وری اقتصادی دامداری‌های سنتی (دام سبک): مطالعه موردی شهرستان بابک**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، مشاهده شده در www.fariborzbaghai.org
- افراخته، حسن و محمد حجی‌پور (۱۳۹۲)، **خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی**، فصلنامه جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیایی ایران)، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- امان اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰)،**کوچ نشینی در ایران**. انتشارات آگاه، تهران.
- آزادی عبدولی، حجیر، منصور غنیان، بهمن خسروی‌پور و مسعود یزدان‌پناه (۱۳۹۴)، **تعیین سازه‌های مرتبط با رضایت‌مندی از شغل دام‌پروری با استفاده از تحلیل مسیر: مطالعه‌ی موردی شهرستان کوهدشت**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۸۷۴-۸۵۷.
- بازار بزرگ کشاورزی ایران (۱۳۹۸)، **قیمت نهادهای دامی**، مشاهده شده در: https://www.bbk-iran.com/price-100-24007.html
- بانک مرکزی ایران (۱۳۹۶)، **بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران**.
- بانک مرکزی ایران (۱۳۹۸)، **شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران**.
- بیات، ناصر، ابراهیم رستگار، محمدامین خراسانی و علی قنبری‌نسب (۱۳۹۰)، **شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود اقتصاد دامداری در نواحی روستایی: مطالعه موردی روستاهای پریدر و مهدویه شهرستان ملایر**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۸۱-۱۵۳.
- حیاتی، ابراهیم (۱۳۷۰)، **چشم اندازی به فردای زندگی عشایر**. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایری ایران، تهران.
- حیدری‌مکرر، حمید، حمیدرضا نسیمی و مهرداد رشیدفر (۱۳۹۸)، **بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر رکود دامداری سنتی در دو ناحیه‌ی دشتی و کوهستان: مطالعه مورد دهستان القچین از توابع شهرستان چرام**، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، شماره ۴۶، صص ۲۵۷-۲۳۹.
- خواجه‌نژاد، محمد (۱۳۹۳)، **اقتصاد سیاسی بخش‌های مولد در دوران شکوفایی درآمد نفتی در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رزاقی‌بورخانی، فاطمه و سیدمحمود حسینی (۱۳۹۵)، **تحلیل مشکلات و محدودیت‌های دامداران عشایر: مورد روستای توچال شهرستان پاکدشت در استان تهران**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۸، صص ۱۰۴-۸۳.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۰)، **لایحه قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور**.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۵)، **لایحه قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور**.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸)، **لایحه قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور**.
- سرخوش، نادر (۱۳۷۵)، **اولویت‌های تحقیقاتی با توجه به نیازهای اساسی انسانی**، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۱۲، صص ۶۳-۵۴.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

- شاکری، عباس، (۱۳۹۴)، **تیغ فعالیت‌های نامولد برگردن اقتصاد ایران**، روزنامه صبح ایران: خراسان، ویژه نامه برنامه ششم توسعه، شماره ۱۹۱۶۷.
- فروزان، حسین (۱۳۹۳)، **رسیدگی و رفع موانع و تأمین امنیت عشایر**. پایگاه خبری تحلیلی مرزداران. ۱۷ مهر ۱۳۹۳، شماره خبر: ۱۸۴۱۹۱ . قابل دسترس در:
- فضلی‌نژاد، سیف ا... و مرتضی احمدیان (۱۳۸۹)، **اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون رفت از آن**، مجله اقتصادی – ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۱۵۸-۱۲۹.
- قنبری، علی (۱۳۶۱). **بهره‌وری در نظام دامداری عشایری**. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۹-۸ ،صص۸۹-۶۲.
- کفیل‌زاده، فرخ، علی اسمعیلی‌زاده و مهدی سیدان، (۱۳۸۱)، **اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته: مطالعه موردی ایل کرد**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸، صص ۲۲۴-۲۰۱.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸)، آمارهای سالیانه، https://www.irica.gov.ir/
- محمدپور، احمد، (۱۳۹۲)، **روش تحقیق کیفی؛ ضد روش**، جلد ۲، انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدنژاد نیما، محمد حسن فطرس و محمدرضا معصومی (۱۳۹۶)، **تحلیل اثرات رکود اقتصادی ۱۳۸۹-۱۳۹۲ بر مخارج سلامت خانوارهای ایرانی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، صص ۱۳۴-۱۰۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۲)، سرشماری عمومی کشاورزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، سرشماری عمومی کشاورزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۲)، سرشماری عمومی کشاورزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸)، تعداد انواع دام کشتار شده در کشتارگاه‌های کشور.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۹)، **قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ ـ ۱۳۹۴)**.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۵)، **قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶ ـ ۱۴۰۰)**.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۸)، **فعالیت‌های نامولد رقیب تولید**، گزارش پژوهشی، مشاهده شده در: http://www.taadolnewspaper.ir
- ملکی، علی اصغر (۱۳۹۸)، **قاچاق دام از سر گرفته شد: گفتگو با رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی**، مشاهده شده در: https://www.yjc.ir/fa/news/7272137
- منصوری، علی و ابراهیم خلفی، (۱۳۹۱)، **بررسی و شناسایی موانع و مشکلات دامپروری سنتی و صنعتی و ارایه راهکارهایی برای توسعه آن دراستان زنجان**، *مدیریت سرمایه و استعدادهای کشاورزی در پرتو صنعت و*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

تجارت در استان زنجان، زنجان، دانشگاه زنجان، https://www.civilica.com/Paper-ACPMLICZP01-ACPMLICZP01_054.html

- میرزایی، شهاب و مهدی نوری‌پور، (۱۳۹۳)، **تحلیل موانع صنعتی‌شدن دام‌پروری مطالعهٔ موردی: شهرستان قلعه‌گنج، استان کرمان**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۴، صص ۷۳۶-۷۰۵.
- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، **نگرشی بر نظام بهره‌برداری از مراتع ایران، قسمت چهارم: بررسی جامعه نمونه عشایر کوچ روایل قشقایی**، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، مرکز نشر و تصویر، گروه پژوهشی و تخصصی، تهران.
- هاشمی، مسعود، (۱۳۷۳)، **فرهنگ دامپروری**، انتشارات اشرفی.

- Alexandratos, N., Bruinsma, J., (2012). **World agriculture towards 2030/2050: the 2012 revision**. ESA Working paper No. 12–03. FAO, Rome.
- Ali, J., (2007). **Livestock sector development and implications for rural poverty alleviation in India**. Livest. Res. Rural Dev. 19 (2).
- Alvarez, S., Rufino, M. C., Vayssières, J., Salgado, P., Tittonel, P., Tillard, E., & Bocquier, F. (2014). **Whole-farmnitrogen cycling and intensification of crop-livestock systems in the highlands of Madagascar: An application ofnetwork analysis**. Agricultural Systems, 126, ۲۵–۳۷.
- Bellaver, C. & Bellaver, I.H. (1999), **Livestock production and quality of societies' life in transition economies**, Livestock Production Science, 59, pp. 125–135.
- Burton, Rob J.F. (2019). **The potential impact of synthetic animal protein on livestock production: The new war against agriculture**, Journal of Rural Studies, No. 68, pp. 33–45.
- CSA (Central Statistical Agency of Ethiopia), (2016). **Joint Ethiopian Government and Humanitarian Partners' Document**: The Humanitarian coordinator for Ethiopia.
- Delgado, C., Rosegrant, M., Steinfeld, H., Ehui, S., Courbois, C., (2001). **Livestock to 2020: the next food revolution**. Outlook Agric. 30 (1), 27–29.
- Dickman, A.J., Macdonald, E.A., Macdonald, D.W., (2011). **A reviewof financial instruments to pay for predator conservation and encourage human–carnivore coexistence. Proc**. Natl. Acad. Sci. U. S. A. 108, 13937–13944
- Doumbia, D., Paassena, A. V., Oostingb, S.J. and Zijppb A.J. (2012), **Livestock in the rice-based economy of Office du Niger: The development potential for increased crop–livestock integration through multi-actor processes**, NJAS - Wageningen Journal of Life Sciences, No. 60– 63, pp.101– 114.
- Dutilly, C., Alaryc, V., Bonnet, P., Lesnoff, M., Fandamui, P. & Haan, C. (2019), **Multi-scale assessment of the livestock sector for policy design in Zambia**, Journal of Policy Modeling, No. 6541.
- Ellis, F., & Freeman, H. A. (2004). **Rural livelihoods and poverty reduction strategies in four african countries**. Journalof Development Studies, 40(4), 1–۳۰.
- FAO, (2007). **The State of the World's Animal Genetic Resources for Food and Agriculture**. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- García-Ruiz, A., Cole, J.B., Vanraden, P.M., Wiggans, G.R., Ruiz-López, F.J., Van Tassell, C.P., (2016). **Changes in genetic selection differentials and generation intervals in US**

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

Holstein dairy cattle as a result of genomic selection. P. Natl. Acad. Sci. USA 113 (33), E3995–E4004.

- Gebrekidan, T. et al. (2019). **Effect of index-based livestock insurance on herd offtake: EvidenceFrom the Borena zone of southern Ethiopia**, Journal of Climate Risk Management, No. 23, pp.67–77.
- Hasan, M.H., Mahlia, T.M.I., Nur, H., (2012). **A review on energy scenario and sustainable energy in Indonesia**. Renew. Sustain. Energy Rev. 16, 2316–2328.
- Headey, D., Hirvonen, K., Hoddinott, J., (2018). **Animal sourced foods and child stunting**. Am. J. Agric. Econ. 100 (5), 1302–1319.
- Herrero, M., Grace, D., Njuki, J., Johnson, N., Enahoro, D., Silvestri, S., Rufino, M., (2013). **The roles of livestock in developing countries: the good, the bad and the knowledge gaps**. Animal 7 (s1), 3–18.
- HLPE, (2016). **Sustainable Agricultural Development for Food Security and Nutrition: What Roles for Livestock?** A Report by the High Level Panel of Experts on Food Security and Nutrition of the Committee on World Food Security, Rome.
- http://www.baeghtesad.com[2019.12.06]
- https://www.mashreghnews.ir/
- https://www.tgju.org
- Hurst, P., Termine, P., Karl, M., (2005). **Agricultural workers and their contribution to sustainable agriculture and rural development. FAO**, Rome. <ftp://ftp.fao.org/docrep/fao/008/af164e/af164e00.pdf>.
- IEOS, (2006). **Indonesia Energy Outlook and Statistics 2006**. Available at: https://kunaifien.files.wordpress.com/2008/12/2006-indonesia-energy-outlook-statistic1.pdf.
- Kristjanson, P., Waters-Bayer, A., Johnson, N., Tipilda, A., Njuki, J., Baltenweck, I., MacMillan, S., (2014). **Livestock and women's livelihoods. In: Gender in Agriculture: Closing the Knowledge Gap**. Springer, Netherlands, pp. 209–۲۳۴.
- LID, (1999). **Livestock in Poverty-Focused Development**. Crewkerne,Somerset, UK.
- Moll, H. A. J. (2005). **Costs and benefits of livestock systems and the role of market and nonmarket relationships**. *Agricultural Economics, 32*, 181–193.
- Nyhus, P.J., Osofsky, S.A., Ferraro, P., Madden, F., Fischer, H., (2005). **Bearing the costs of human-wildlife conflict: the challenges of compensation schemes**. In: Woodroffe, R., Thirgood, S., Rabinowitz, A. (Eds.), People and Wildlife: Conflict or Coexistence? Cambridge University Press, Cambridge, pp. 107–121.
- Omamo, S.W., Diao, X., Wood, S., Chamberlin, J., You, L., Benin, S., et al., (2006). **Strategic priorities for agricultural development in Eastern and central Africa**. Res. Rep. Int. Food Policy Res. Inst. 150, 1–140.
- Puente-Rodrígueza, D., Bos A.P. & Groot Koerkamp, P. W.G. (2019), **Rethinking livestock production systems on the Galápagos Islands: Organizing knowledge-practice interfaces through reflexive interactive design**, Journal of Environmental Science and Policy, No. 101, pp. 166–174.
- Reinert, Erik S. (2007). **How Rich Countries Got Rich and Why Poor Countries Stay Poor**, Constable Publication.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]

- Rojas-Downing, M. M., Nejadhashemi, A. P., Harrigan, T. & Woznicki, S. A. (2017), **Climate change and livestock: Impacts, adaptation, and mitigation**, Journal of Climate Risk Management, No. 16, pp. 145–163.
- Rosegrant, M.W., Fernandez, M., Sinha, A., (2009). **Looking into the future for agriculture and AKST. In: McIntyre**, B.D., Herren, H.R., Wakhungu, J., Watson, R.T. (Eds.), International Assessment of Agricultural Knowledge, Science and Technology for Development (IAASTD). Agriculture at a crossroads, Island Press, Washington, DC, pp. 307–۳۷۶.
- Roubík, H. and Mazancová, J. (2020), **Suitability of small-scale biogas systems based on livestock manure for the rural areas of Sumatra**, Journal of Environmental Development, No. 33.
- Salmon, G. R. et al. (2019), **exploring the landscape of livestock 'Facts'**, Journal of Global Food Security, at: https://doi.org/10.1016/j.gfs.2019.100329.pdf.
- Tamasy, C. (2013), **Areas of intensive livestock agriculture as emerging alternative** economic spaces?, Applied Geography, No.45, pp. 385-3۹۱.
- Tazhibaev, S. et al. (2014), I**ssues in the Development of the Livestock Sector in Kazakhstan**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, No. 143, pp. 610 – 6۱۴.
- Thornton, P. K. (2010). **Livestock production: Recent trends, future prospects**. *Philosophical Transactions of the RoyalSociety B Biological Science*, *365*(1554), 2853–2۸۶۷.
- Tilahun, A., Teklu, B., Hoag, D., (2017). **Challenges and contributions of crop production in agro-pastoral systems of Borana Plateau**, Ethiopia. Pastor. Res. Policy Pract.7, 2.
- Upton, M. (2004). **The role of livestock in economic development and poverty reduction**. Pro-poor livestock policy initiativeworking paper No. 10. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO).
- Wright, I.A., Tarawali, S., Blummel, M., Gerard, B., Teufel, N., Herrero, M., (2012). **Integrating crops and livestock in subtropical agricultural systems**. J. Sci. Food Agric. 92, ۱۰۱۰–۱۰۱۵.
- Zabel, A., Bostedt, G., Engel, S., (2014). **Performance payments for groups: the case of carnivore conservation in northern Sweden**. Environ. Resour. Econ. 59 (4), 613–631.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.9.2]